

رویکرد انتقادی، مبنای دگرذیسی انواع نثر ادبی در عصر قاجار

فرائد جهانگرد*

استادیار زبان و ادبیات فارسی پژوهشگاه علوم انسانی

چکیده

در بسیاری از انواع نثر دوره قاجار، نوعی رویکرد انتقادی دیده می‌شود که سبب بروز دگرگونی‌هایی در انواع نثر این دوره شده است. رگه‌هایی از این رویکرد- که تفکری جهانی است- در نثرهای اوایل دوره قاجار دیده می‌شود، پس از آن به صورت پررنگ‌تر و قوی‌تری در انواع نثر این دوره به چشم می‌خورد. این سیر به‌ویژه تا حوالی انقلاب مشروطه و اندکی پس از آن ادامه می‌یابد؛ اما به‌ویژه در نثرهای دوره بعد اندک‌اندک رنگ می‌بازد. سیر تحول بعضی از انواع نثر این دوره، در منابع پیشین آمده است؛ پاره‌ای دیگر هم در این مقاله بررسی شده و نتیجه این مطالعات در کنار یکدیگر قرار گرفته است. با محوریت رویکرد انتقادی، بعضی از انواع، تغییرات چشمگیری کرده‌اند؛ برخی متروک و بعضی به‌کلی دگرگون شده‌اند؛ به‌گونه‌ای که پیوند آن‌ها با صورت‌های پیشین کاملاً گسسته شده است. در پاره‌ای از انواع، رگه‌هایی از این تفکر راه یافته و بعضی از انواع هم تحت‌تأثیر این تفکر شکل گرفته، بالیده و صورت‌های مستقلی یافته‌اند و پس از این دوره نیز با تغییرات اندکی برجای مانده‌اند. این مسئله نشان می‌دهد رویکرد انتقادی، محور تطور انواع نثر در این دوره است.

واژه‌های کلیدی: انتقاد، انواع ادبی، نثر، دوره قاجار، نثر انتقادی، تفکر انتقادی، رویکرد انتقادی.

۱. درآمد

در دوره قاجار، شکوفایی شاخه نثرهای غیررسمی در کنار نثرهای رسمی اهمیت فراوانی دارد. نثرهای رسمی وابسته به دربار و مطابق با سلیقه نویسندگان و مخاطبان است. این گونه نثرها آراسته و به دور از اصطلاحات، واژه‌ها، تعبیرها و ساختارهای عامیانه و محاوره‌ای است. شاخه نثرهای غیررسمی که پاسخ‌گوی نیاز طبقه باسواد و تحصیل‌کرده است، با رشد و گسترش این طبقه شکوفا شد. نثرهای غیررسمی، نثر طبیعی نویسندگان است و اغلب عاری از محدودیت‌های نوشته‌های رسمی و درباری. در این نوشته‌ها، رشد هماهنگ لفظ و معنا و توجه به جایگاه مخاطب، سبب شده از لفظ‌پردازی‌های نثرهای رسمی - که علاوه بر آرایش متن گاه بر اثر کمبود معنا نیز صورت می‌گرفت - چندان اثری نباشد. به علاوه، تغییر بنیادین نگرش‌ها دستاویزی است برای نویسندگان که برتری را در اندیشه، فزونی معنا و شیوه گفتار ببینند نه در لفظ‌پردازی و آرایه‌بندی.

آثار این دوره را نویسندگانی پدید آورده‌اند که نگرش خاصی داشتند، به نبوغ ذاتی و پشتوانه فرهنگی، مایه و ذوق ادبی متکی بودند و مشکلات و درد عقب‌ماندگی جامعه را درک می‌کردند. این نوع رویکرد در نهایت، به گسترش نثر انجامید و توانایی آن را برای بیان بسیاری از مسائل ذوقی، علمی و ادبی و ایجاد انواع جدید یا تکامل و تطور انواع پیشین نشان داد. ویژگی مشترک این آثار، رویکرد انتقادی‌ای است که اغلب با زبان طنز بیان شده است و نویسندگان آن‌ها با به‌کارگیری زبانی شیوا و همه‌فهم، چاره‌ای برای پیشرفت و رهایی از عقب‌ماندگی می‌جستند.

در این دوره، فضایی برای انتقاد در همه زمینه‌ها به وجود آمد. از دلایل پررنگ شدن انتقاد در نوشته‌های این دوره، باید به جنگ‌های ایران و روسیه اشاره کرد.

شکست‌های پیاپی ایران در جنگ با روس‌ها و احساس ناتوانی اولیای کشور در مقابل ممالک اروپایی - که به وسایل جدید در جنگ و صلح مجهز بودند، آسودگی خیال ایرانیان زیرک و دانا را بر هم زد. خطر را روبه‌رو دیدند و به چاره‌جویی برخاستند. ادبیات ایران از آن زمان تاکنون، جز آینه تجلی آرزوی

پیشرفت و ترقی و رفع مفاسد و اصلاح معایب اجتماعی و سیاسی نیست (خانلری، ۱۳۲۶: ۱۳۰).

گسترش رابطه بین ملت‌ها سبب شد مقایسه دقیق‌تری بین وضعیت موجود در ایران و سایر کشورها صورت گیرد. نتیجه این مقایسه، آگاهی از عقب‌ماندگی، اندیشیدن به عوامل و دلایل آن و تلاش برای برطرف کردن موانع پیشرفت بود. در کنار آن، مسائل پیشین مانند رقابت با عثمانی سبب شد فضای انتقادی در همه زمینه‌ها گسترش یابد و به انواع نوشته‌ها راه پیدا کند.

در دوره قاجار، مسائل سیاسی و اجتماعی پیوند محکمی با ادبیات برقرار کرد. پیشرفت نثر ادبی ایران، بیشتر به وسیله انتشارات سیاسی بوده است تا ادبیات. تجدید حیات سیاسی در ضمن جنبش انقلابی آغاز قرن کنونی باعث این شده است که عدّه مجلات و روزنامه‌هایی که برای روشن کردن افکار عمومی و عدّه بسیاری از خوانندگان تهیه می‌شدند، بیشتر شد و بر اثر این توسعه، نویسندگان مقالات و پاورقی‌ها کوشیده‌اند تا افکار خود را چنان بنویسند که نزدیک به فهم عمومی و به زبانی ساده باشد. از اینجاست که خوش‌سبک‌ترین نثرنویسان ایران امروز تنها نویسندگان حکایات و رمان‌ها و قصص نیستند؛ بلکه نویسندگان جراید و مورخین و متخصصین تاریخ ادبیات نیز جزء آن‌ها هستند. بنابراین وقتی که سخن از ادبیات معاصر ایران می‌رانیم، ناگزیر باید این‌گونه نویسندگان را هم نام ببریم؛ زیرا اهمیت آن‌ها در ایجاد سبک نثر ادبی نوین، اگر بیشتر نباشد، کمتر نیست (سیاح، ۱۳۸۳: ۳۵۰).

رواج تفکر انتقادی در ایران عصر قاجار، دستاورد رشد آن در جهان بود که در بُعد سیاسی به انقلاب فرانسه (۱۷۸۹م) انجامید و سپس به بسیاری از کشورهای دیگر راه یافت. اما ویژگی‌ها، زمینه‌ها، پشتوانه‌ها، منحنی رشد و افول، و نتایج آن در همه کشورهای یکسان نبود و به‌ویژه در ایران تفاوت بسیاری با سایر کشورها داشت. بنابراین، شایسته است در این بحث، آن را رویکرد یا نگرش انتقادی بخوانیم تا اندیشه و تفکر انتقادی.

از لحاظ تاریخی، پیش از دوره مظفردالدین‌شاه (۱۳۱۳-۱۳۲۴ق) و در اواسط عصر ناصری، این رویکرد اندک‌اندک به نوشته‌ها راه یافت. اما در دوره مظفری، انتقادها

آشکارتر و کوبنده‌تر شد. «حمله به اشخاص نیز در این دوره در جراید چون *حبل‌المتین* و *پرورش* و *ثریا* آغاز شد.» (بهار، ۱۳۷۳: ۳/ ۴۰۰-۴۰۱). در آستانه مشروطیت، «انتقاد بارزترین ویژگی نثر فارسی این سال‌ها» شمرده شد:

انتقاد از همه‌کس و همه‌چیز؛ از سلطان قاجار و رجال حکومت گرفته تا شاعران و نویسندگان مداح «رسمی» و مردم عادی. این درون‌مایه... با حادثه کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ش و به قدرت رسیدن رضاخان، برای مدت دو دهه انتقاد از حکومت و رجال دولت مسکوت می‌ماند (رحیمیان، ۱۳۸۴: ۱۱).

البته، پیشتر از آن، یعنی مقارن با انقلاب مشروطه موج انتقادی رو به سستی گذاشت. رویکرد انتقادی زمینه را برای پیدایش نقدهای علمی، مانند نقد تاریخ و تاریخ‌نویسی، نقد ادبی و نقد نمایش‌نامه‌نویسی فراهم آورد.

در مطالعه عوامل پیدایش نقد ادبی جدید در ایران، باید به عامل انتقاد اجتماعی توجه کرد که خود، حاصل ظهور تفکر انتقادی در جامعه ایرانی است. تفکر انتقادی نیز که مولود نگرش عقلی است، در مرحله نخست متوجه تضاد نهادهای سیاسی و اقتصادی می‌شود و در مراحل بعدی به مطالعه مظاهر فرهنگی - که ادبیات شاخه‌ای از آن است - می‌پردازد و در این مطالعه آنچه را که خلاف حکم عقل و منطق می‌شناسد، انتقاد می‌کند (پارسی‌نژاد، ۱۳۸۰: ۱۱).

منتقدان ادبی این دوره، فقط منتقد ادبی نیستند. شخصیت‌هایی مانند طالبوف (درگذشته ۱۳۳۸ق) و آخوندزاده (درگذشته ۱۲۹۵ق) به انتقاد در تمام زمینه‌ها، به‌ویژه زمینه‌های سیاسی و اجتماعی پرداختند. آخوندزاده معتقد است «به هرچه که دست می‌زنی، ایجاب می‌کند که از آن انتقاد شود. پرده‌پوشی و مدارا خلاف اصل انتقاد است.» (به نقل از آربین‌پور، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۸۳). او کریتکا^۱ را به‌طور دقیق به همان معنایی آورده است که «نویسندگان دانشنامه (۱۷۵۱-۱۷۷۰م)، روسو، مونتسکیو و نیز ویکو به‌کار برده‌اند. در مقاله کریتیک، ناقد کسی دانسته شده که بتواند میان درست و نادرست تفاوت گذارد.» (احمدی، ۱۳۸۹: ۱۳). طالبوف نیز کتاب‌هایی ترجمه و تألیف کرد که در رواج اندیشه آزادی‌خواهی و انتقاد از حکومت استبدادی در بین مردم تأثیر فراوانی داشت. چنین نقدهایی زمینه را برای پیدایش و رشد نقد ادبی فراهم آورد.

رویکرد انتقادی به صورت گسترده به انواع نثر این دوره راه یافت و در سیر تکاملی آن‌ها نقش چشمگیری ایفا کرد. طبیعی است که رفتار همه انواع در برابر رویکرد انتقادی یکسان نبود و هر کدام از آن‌ها، با توجه به خصوصیات و ظرفیت‌های خود، رفتار متفاوتی نشان دادند.

در این دوره، تحت تأثیر ترجمه و آشنایی با ادب سایر کشورها، انواع نثر فارسی گسترش چشمگیری یافت و گونه‌های تازه‌ای پدیدار شد. شایسته است تأثیر رویکرد انتقادی بر این انواع بررسی شود. گونه‌های پیشین و سابقه‌دار نیز در برابر این رویکرد نوین رفتارهای متفاوتی نشان دادند که می‌توان از این نظر آن‌ها را در دسته‌های زیر جای داد:

۱. انواع پذیرای رویکرد انتقادی؛
۲. انواعی که تغییر کلی یافته و دگرگون شده‌اند؛
۳. انواعی که تغییرات کمتری می‌پذیرند.

۲. بحث و بررسی

فراوانی انواع نثر در دوره قاجار بسیار چشمگیر است، «هیچ‌یک از ادوار ادبی ایران از حیث نثر، این قدر پرمحصول و برومند نبوده و تا این درجه از جهت مضمون و مطلب تنوع نداشته و در بسیاری از رشته‌ها بهترین نمونه‌های ادبیات ایران در این دوره به وجود آمده است.» (خانلری، ۱۳۲۶: ۱۳۱).

رویکرد انتقادی بر بعضی از جریان‌های ادبی این دوره تأثیر گذاشت. جریان‌هایی نیز در بستر این تفکر شکل گرفت و در دامان آن پرورده شد. به عقیده اوپانسکی، «هر دوره تاریخی دارای گرایش ادبی خاص خود است که ترجمه شرایط تاریخی هم‌زمان آن است. گرایش ادبی موجود، نوع ادبی مطلوب و ویژگی‌های متمایزکننده آن را دیکته می‌کند.» (به نقل از دارم، ۱۳۸۱: ۸۴). بنابراین، شرایط تاریخی خاص دوره قاجار گرایش انتقادی را در ایران به وجود آورد که پیش از آن سابقه نداشت؛ ضمن اینکه نوع ادبی مطلوب و موافق این گرایش را نیز پدید آورد. شایان ذکر است که ترجمه آثار شاخص

روز دنیا در این دوره، هم به گسترش انواع نثر کمک کرد و هم بر رواج نگرش انتقادی تأثیر گذاشت.

۳. انواع نوین و نقش رویکرد انتقادی در آنها

۳-۱. نمایش نامه‌نویسی

نمایش نامه‌نویسی از انواعی است که تحت تأثیر ترجمه وارد ایران شد. این نوع ادبی از سویی محمل مناسبی برای پذیرش افکار انتقادی، و از سوی دیگر پایگاهی برای گسترش آن در اجتماع بود. در کنار ترجمه نمایش نامه‌هایی با محتوای انتقادی از ترکی و فرانسوی به فارسی، نمایش نامه‌هایی نیز به فارسی نوشته شد.

اگرچه در آن زمان فنّ نظیف تیاتر پدیده‌ای نو محسوب می‌شد و احتمالاً در شرایط خفقان و استبداد و جهل می‌توانست وسیله‌ای برای بیان انتقادهایی بر سبیل تمسخر باشد، اما هم میرزا فتح‌علی و هم میرزا جعفر (قراچه‌داغی) هر دو در کاربرد اجتماعی نمایش زیاده‌روی و اغراق کرده‌اند (ملک‌پور، ۱۳۸۵: ۱۳۹).

در نمایش نامه‌های آخوندزاده، بیشتر جنبه تعلیمی و اخلاقی رعایت شده است. اما پس از او، میرزا آقا تبریزی (در گذشته ۱۲۹۱ق) نمایش نامه‌هایی نوشت که از نظر نوع ادبی «در حقیقت نمایش نامه واقعی به‌شمار نمی‌آید. از مقوله گفت‌وشنود نمایشی است که خود آن را به‌واقع، فنی مستقل باید خواند.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۱: ۱۶۱). موضوع نمایش نامه‌های او «بر حول محور انتقاد از حکومت دور می‌زند.» (ملک‌پور، ۱۳۸۵: ۱۹۷). از نظر محتوا، «در این نمایش نامه‌ها صحنه‌های تاریک و وحشتناکی که از استبداد و بی‌قانونی عصر ناصری تصویر شده و اوضاع ناگوار آن روزگار که با وقایع مضحک فراوان همراه بود، با انشایی آمیخته به طنز بیان گردیده» است (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱/۳۶۰). از بین نمایش نامه‌های انتقادی باید به «لحن مؤثر و گزنده نویسنده قصه سوسمارالدوله منسوب به میرزا آقاخان کرمانی» نیز اشاره کرد «که در همین شیوه محاوره گفت‌وشنود فجایع عمال و حکام عصر و اخاذی‌ها و بی‌رسمی‌های رایج در بین شاهزادگان و والیان مقتدر عهد استبداد ناصری را به باد انتقاد می‌گیرد.» (زرین‌کوب، ۱۳۷۱: ۱۶۱). افزون

بر آن‌ها، نمایش نامه *کابوس استبداد* اثر علی‌خان ظهیرالدوله نیز شامل انتقادهای زباندار از مظالم و مفاسد آن دوره است (ر. ک همان، ۲۱۲).

۲-۳. نقد نمایش نامه نویسی

در این دوره، در کنار نمایش نامه نویسی، شاخه نقد نمایش نامه نیز پدیدار شد. میرزا فتح‌علی آخوندزاده^۲ نخستین نقد را بر سه نمایش نامه میرزا آقا تبریزی نوشت و «نمایش نامه نویسی را با تفکری تاریخی و مادی و به آیین کرتیکای فرنگی بررسی کرد...» (ملک‌پور، ۱۳۸۵: ۱۷۱).

۳-۳. شبه ادبیات

ترجمه رمان‌ها و نوشته‌های مانند آن، شبه ادبیات^۳ را در ایران رواج داد و در نتیجه آن، رویکرد انتقادی به درون جامعه راه یافت.

۱-۳-۳. رمان نویسی^۴

بعضی از آثار ادبی و رمان‌هایی که در زمان انقلاب فرانسه و تحت تأثیر تفکر انتقادی در آن کشور و به آن زبان نوشته شده بود، در دوره قاجار به زبان فارسی برگردانده شد؛ در نتیجه، هم تفکر انتقادی در جامعه رواج یافت و هم زمینه برای پیدایش این نوع ادبی نوین و بی سابقه فراهم آمد. در ترجمه رمان‌ها- اگر مطلب گنجایش افزودن مطالب انتقادی دیگری را داشته- نکاتی با دقت در لابه‌لای متن گنجانده شد.^۵

از رمان‌هایی که در این دوره به فارسی ترجمه شد و جنبه انتقادی بسیار قوی‌ای داشت، *سرگذشت حاجی بابای اصفهانی* است. «اهمیت این ترجمه دقیقاً به لحاظ جنبه انتقادی آن است که مترجم کتاب میرزا حبیب اصفهانی (در گذشته ۱۳۱۵ق) به خوبی این جنبه را حفظ کرده و حتی در ترجمه رنگ و جلای بیشتری به آن داده است.» (دهقانی، ۱۳۸۰: ۲۶-۲۷). از لحاظ انتقادی، هیچ کدام از آثار ترجمه شده این عهد به پای این اثر نمی‌رسد؛ چرا که هم نویسنده آن، جیمز موریه، با نگاه انتقادی مطلب را نوشته و هم «مترجم فارسی به خاطر اغراض سیاسی آن چنان را آن چنان تر کرده است.» (کامشاد،

۱۳۸۴: ۴۹). مترجم گاه در انتقاد بر نویسندگان پیشی گرفته و «اینجا و آنجا با ابراز نظرهای خود مفاهیم انتقادهای ضمنی موریه را شدت می‌بخشد. در مواردی کاسه داغ‌تر از آش می‌شود و اگر نویسنده احیاناً سخن نیکی دربارهٔ ایرانیان به قلم آورده، مترجم معنا را به‌کل وارونه می‌سازد.» (همان، ۵۰).

رمان‌های فارسی‌ای که در این دوره نوشته شدند، اغلب محتوای انتقادی دارند. از این دسته باید به *سیاحت‌نامهٔ ابراهیم‌بیگ یا بلای تعصب* او از زین‌العابدین مراغه‌ای (درگذشته ۱۳۲۸ق) اشاره کرد که به‌ویژه در جلد اول آن از وضعیت ایران در آن عهد سخت انتقاد کرده است. این اثر در آن دوران شهرت بسیاری یافت و در رواج نگرش انتقادی در جامعه نقش ویژه‌ای داشت.

۲-۳-۳. رمان تاریخی

رمان تاریخی نیز که از انواع ادبیات عامه‌پسند و زیرمجموعهٔ شبه‌ادبیات است، در این دوره پدید آمد. نخستین رمان تاریخی در ایران، *شمس و طغرا* از محمدباقر خسروی بود که در سال ۱۳۲۷ق در کرمانشاه منتشر شد. این اثر نیز خالی از صبغهٔ انتقادی نیست. محمد غلام در بررسی رمان‌های تاریخی فارسی، آن‌ها را از لحاظ محتوا به دو دسته: «رمان‌های تاریخی و انتقادی» و «غیرانتقادی» تقسیم کرده است (۱۳۸۱: ۵۴). اغلب رمان‌های تاریخی دورهٔ قاجار زمینهٔ انتقادی دارند. در این موارد «هدف نخستین رمان‌نویس آن است که بتواند تصویری دقیق و در مواردی انتقادی از یک دورهٔ تاریخی ارائه دهد و تاحدی در مسیر تحلیل تاریخ پیش رود.» (همان، ۵۰). بنابراین، «نویسندگان آن‌ها غالباً با تاریخ برخوردی انتقادی و از سر بینش دارند.» (همان، ۵۴).

۳-۳-۳. روزنامه‌نگاری

روزنامه‌ها از انواع دیگر شبه‌ادبیات هستند.

پیش از آغاز نهضت مشروطه، در ۱۳۲۳ق، روزنامه‌های انگشت‌شماری در ایران منتشر شده بودند. ولی این‌ها به‌ندرت مطلب سیاسی می‌نوشتند. نسخه‌های معدودشان بیشتر شعر و مقالهٔ ادبی بود. علت اصلی البته آن بود که نظام استبدادی وقت اجازهٔ انتقاد از حکومت را نمی‌داد (کامشاد، ۱۳۸۴: ۵۵).

بنابراین، در روزنامه‌هایی که در ایران چاپ می‌شد، انتقاد نمی‌توانست پایگاهی بیابد. در نتیجه، نویسندگان خارج از ایران دست به انتشار مطالب انتقادی زدند. این روزنامه‌ها در قفقاز، قاهره، استانبول، لندن و کلکته به چاپ می‌رسید و نسخه‌هایی از آن در ایران دست‌به‌دست می‌گشت. در فضای بسته عصر ناصری، روزنامه‌ها:

حتی روزنامه‌ای که ظاهراً عنوان ملتی داشت، همه دولتی بودند و ما از دوره ناصردین‌شاه روزنامه‌ای که دولتی نبوده و در خود ایران منتشر شده باشد، نمی‌شناسیم و در عهد سلطنت کوتاه مظفردین‌شاه نیز تا اعلان مشروطیت جراید آزاد انتقادی در ایران نمی‌توانست منتشر شود (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱/ ۲۴۹).

از روزنامه‌های انتقادی شاخصی که در خارج از ایران منتشر می‌شد، دو روزنامه از استبداد ناصری بی‌پروا انتقاد می‌کردند: روزنامه *قانون* از میرزا ملکم (در گذشته ۱۳۲۶ق) و *ضیاء الخاقین* از سیدجمال‌الدین اسدآبادی (در گذشته ۱۲۷۵ش) که به زبان عربی در لندن منتشر می‌شد.

۳-۴. طنزنویسی

در کنار روزنامه‌نگاری، نوع جدید طنزنویسی نیز به وجود آمد «که معایب و مفاسد رژیم گذشته و اعمال عمال آن را به باد استهزا می‌گرفت».

[این نوع] عبارت از روش ویژه‌ای در نویسندگی است که ضمن دادن تصویر هجوآمیزی از جهات زشت و منفی و ناجور زندگی، معایب و مفاسد جامعه و حقایق تلخ اجتماعی را به صورتی اغراق‌آمیز یعنی زشت‌تر و بدترکیب‌تر از آنچه هست نمایش می‌دهد تا صفات و مشخصات آن‌ها روشن‌تر و نمایان‌تر جلوه کند (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲/ ۳۶).

طنزهای این دوره دربرگیرنده نکته‌های انتقادی بسیار قوی هستند.

۳-۵. مقاله‌نویسی

در همین حوزه، نوع تازه‌ای از نثر ادبی شکل گرفت: مقاله‌نویسی. این نوع از مقوله خطاب به شمار می‌آید و «از تصنع نسبی اواخر عهد ناصری به شیوه ساده‌نویسی عصر مشروطیت سوق داده [شد]». «آنچه در این ایام بدین نام خوانده می‌شد و از تحقیقات

علمی و ادبی تا مباحث انتقادی و سیاسی را شامل می‌گشت، در عین حال متضمن طرح مسائل و سعی در حل آن‌ها یا تحقیق در دشواری‌های مربوط به آن‌ها بود.» (زرین کوب، ۱۳۷۱: ۲۱۴). زرین کوب این نوع را نمونه‌تطور یافته نوعی می‌داند که «در دوران استبداد ناصری در معدودی مقالات سیدجمال‌الدین، در نقدهای آخوندزاده و در گفتارهای ملکم شکل مشخص یافت.» (همان‌جا).

۴. انواع پذیرای رویکرد انتقادی

انواع پذیرای رویکرد انتقادی انواعی از نثرهای غیررسمی به‌شمار می‌آیند که مطالب انتقادی بسیاری در آن‌ها راه یافته است.

۴-۱. خاطره‌نویسی

در این دوره، نوشتن خاطرات و سفرنامه‌ها رایج شد. انتقاد به‌صورت پرنرنگی در خاطرات این دوره نمود یافت و از ویژگی‌های بارز نوشته‌های احتشام‌السلطنه (درگذشته ۱۳۱۴ق)، اعتمادالسلطنه (درگذشته ۱۳۱۳ق) و امین‌الدوله (درگذشته ۱۳۲۲ق) بود.

۴-۲. سفرنامه‌نویسی

فراگتر در بررسی سیر سفرنامه‌نویسی و خاطره‌نویسی در دوره قاجار، *سفرنامه میرزا صالح* را از دو نظر، تأثیرگذارترین سفرنامه این عهد می‌داند: از نظر سبک و شیوه نوشتار و از لحاظ تغییر نگرش نویسنده و توجه به مسائلی که پیش از آن کمتر در سفرنامه‌ها دیده می‌شد:

ویژگی میرزا صالح این است که سنت‌هایی را که تا آن دوره رایج بود، رها می‌کند. وی بر آن نیست که خوانندگانش را صرفاً برای مدت کوتاهی با ارائه مطالب جالب توجه سرگرم کند. برای مثال، هنگام بحث پیرامون تاریخ انگلستان می‌گوید قصد ندارد درباره زندگی و کارهای پادشاهان انگلستان و همین‌طور نام پادشاهانی که به ترتیب به سلطنت رسیدند، قلم‌فرسایی کند. بلکه بیشتر می‌خواهد علل و

عواملی را روشن سازد که پیشرفت حیرت‌آور این کشور را در مقایسه با وطنش ایران موجب شده است (فراگنر، ۱۳۷۷: ۲۴-۲۵).

«خصلت روشنگرانه و انتقادی نوشته‌هایش [میرزا صالح] هنگامی که در راه بازگشت به میهن در خصوص اوضاع داخلی کشور عثمانی به بحث می‌پردازد، به وضوح نمایان است.» (همان‌جا).

از لحاظ موضوع، سفرنامه‌های خارجی این دوره به دو دسته تقسیم می‌شود: سفرنامه‌های مکه و سفرنامه‌های فرنگستان. نویسندگان سفرنامه‌های مکه - که البته در آن دوره به لحاظ تیمن و تبرک بسیار مورد توجه مردم قرار می‌گرفت - به طور کلی ضمن توضیح چگونگی گذر از قفقاز، عثمانی و مصر، در هر فرصتی با دیدن پیشرفت‌های آن ممالک، از اوضاع ایران انتقاد کرده‌اند.^۷ در سفرنامه‌های فرنگستان نیز به اقتضای زمینه بحث، بین مظاهر تمدن و پیشرفت در اروپا و ایران مقایسه‌ای صورت گرفته است.

۳-۴. سفارت‌نامه‌نویسی

سفارت‌نامه‌نویسی نوع ادبی‌ای است که بسیار به سفرنامه‌نویسی نزدیک و شبیه به آن است. سفارت‌نامه‌نویسان از طرف دولت برای انجام مأموریت و سفارتی به خارج از ایران فرستاده می‌شدند و گزارش سفر خود را می‌نوشتند. آن‌ها معمولاً برای انجام دادن مأموریت سیاسی سفر می‌کردند؛ بنابراین بیشتر سفارت‌نامه‌ها جنبه سیاسی دارند و به دلیل زمینه بحث، اقتضای بیشتری برای انتقادهای سیاسی دارند. با توجه به گسترش روابط بین‌المللی در دوره قاجار، سفارت‌نامه‌ها از نظر کمی و کیفی تغییر چشمگیری کردند. در **سفارت‌نامه میرزا مصطفی**، از مشهورترین سفارت‌نامه‌های این دوره، انتقادهای تندی از اوضاع سیاسی و اجتماعی ایران دیده می‌شود. او «این انتقادات را به شکل دلپذیری در کنار توصیف مطالب شگفت‌انگیز آورده و بدین طریق از سنت سفرنامه‌نویسی اسلامی هم پیروی کرده و نیاز خوانندگان را - که مایل‌اند موضوعات اعجاب‌انگیز و خارق‌العاده بشنوند - برآورده ساخته است.» (همان، ۴۱).

۴-۴. خواب‌نامه‌نویسی

فضای استبدادی آن عصر نقد و انتقادات را بر نمی‌تافت و با سانسور کتاب‌ها (ر. ک اعتمادالسلطنه ۱۳۷۷: ۳۴۲-۳۴۳) و تبعید و از بین بردن منتقدان^۱، از همه‌گیر شدن آن جلوگیری می‌کرد. در چنین وضعیتی، نویسندگان برای بیان انتقادات از انواعی بهره گرفتند که تا اندازه‌ای آن‌ها را از پیامدهای وخیم انتقاد رهایی می‌بخشید.

رواج خواب‌نامه‌نویسی پیدایش و بروز رویکرد انتقادی را نشان می‌دهد. انتقادهایی که صریح و آشکارا بیان نمی‌شوند، در قالب رؤیا نوشته شده‌اند. هرچند این نوع نوشتار در ایران از دوره‌های باستان رواج داشته، محتوای آن در این دوره کاملاً دگرگون شد و جنبه انتقادی به خود گرفت. به‌طور کلی، نویسندگان خواب‌نامه‌های مهم این دوره از آشکار کردن نام خود خودداری کرده‌اند. *رؤیای صادقه* از جمال واعظ اصفهانی (درگذشته ۱۳۳۶ق) در انتقاد از ظل‌السلطان (درگذشته ۱۲۹۷ق) و *خواب‌نامه* یا *خلسه* از اعتمادالسلطنه، با جنبه قوی انتقادی، در انتقاد از امین‌السلطان (درگذشته ۱۳۲۵ق) نوشته شده‌اند.

در میان خواب‌نامه‌های این عهد، نمی‌توان از *کتابچه غیبی* یا *دفتر تنظیمات* (۱۲۷۵ق) ملکم‌خان، پایه‌گذار فراموشخانه در ایران، نامی نبرد. تأسیس فراموشخانه در گسترش این تفکر نقش بسیاری داشت.

اعضای فراموشخانه به‌وسیله رسالاتی که ملکم در انتقاد از اوضاع می‌نوشت و در دسترس آنان و سایر مردم می‌گذاشت و طبعاً به عرض شاه هم می‌رسید کم‌کم با روح اروپایی انس و آشنایی یافتند و عاقبت به این نتیجه رسیدند که باید به هر کوششی است رژیم مشروطه در ایران استقرار یابد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۱/۳۱۵).

تحت تأثیر *دفتر تنظیمات*، ابوطالب بهبهانی اثری با عنوان *منهاج‌العلمی* در سال ۱۲۹۴ق پدید آورد. او ضمن بیان مشکلات، راهکارهایی برای حل آن‌ها نیز پیشنهاد کرد.

۵. انواعی که تغییر کلی یافته و دگرگون شده‌اند

گاهی انواع ادبی تغییر می‌کنند و نوعی به نوع دیگر تبدیل می‌شود. هنگامی که انواع تازه‌ای - که با گرایش‌های جدید سازگار باشد - به‌وجود آید، نوعی به نوع دیگر تبدیل

می‌شود (ر. ک شفیع کدکنی، ۱۳۸۶: ۱۸). اعتلای سطح فکری اجتماع سبب می‌شود انواعی مانند حماسه - که پیدایش آن‌ها محصول دوره کودکی ملت‌ها دانسته شده است - جای خود را به انواع دیگری بسپارد. رواج حماسه مربوط به دوره‌ای است که «هنوز نقد و انتقاد رواج نیافته، در آن مرحله ملل نیازمند وصایای بزرگان و قهرمانان خویش‌اند. آن‌ها که ملت‌ها را از مرحله‌ای به مرحله‌ای سوق داده‌اند و به درجه‌ای از تمدن رسانده‌اند.» (همان، ۲۰). در این دوره که نقد و انتقاد پاگرفت، گونه‌های نوینی آفریده شد.

۱-۵. از وقایع‌نگاری به سوی تاریخ‌نویسی

از نظر فراوانی نثرهای تاریخی، دوره قاجار در دوره‌های تاریخ ادبیات فارسی کم‌نظیر است. آثار تاریخی تألیفی و ترجمه‌ای این دوره، به سبب نیاز روزافزون به کسب اطلاعاتی درباره کشورهای دیگر، صورت دیگری یافت. علاقه شاهان قاجار، به ویژه ناصرالدین‌شاه، به کتاب‌های تاریخ و جغرافیا سبب شد در این دوره آثار متعددی در این موضوع‌ها نوشته شود. در این دوره، علاوه بر تاریخ‌های عمومی و تاریخ اسلام، تاریخ سایر کشورها هم ترجمه و تألیف شد و در کنار انبوه تاریخ سلسله‌ها، شهرها، تاریخ دوران باستان و مواردی از این قبیل قرار گرفت. سبک و سیاق نگارش این نوع نثر، تغییرات ساختاری و محتوایی ارزشمندی کرده است. در این دوره، دو نوع نثر وقایع‌نگاری و تاریخ‌نویسی با ویژگی‌های خاص و متمایز در کنار هم دیده می‌شوند.

وقایع‌نگاری از نثرهای رسمی این دوره است که ادامه سنت‌های تاریخ‌نگاری درباری پیش از قاجار به شمار می‌رود. این آثار پیش از انتشار، برای بازبینی به دربار فرستاده می‌شد. بنابراین، محتوای آن‌ها همسو با پسند شاهان و سلیقه درباریان و برای ماندگار کردن نام آن‌ها بود؛ در نتیجه مدح و ستایش هم به آن‌ها راه یافت و حتی گاه برای خوشامد شاه و درباریان، رویدادهایی در این آثار وارونه جلوه داده می‌شد.

سبک نوشتار این آثار رسمی، کاملاً منشیانه و متکلف و آراسته به استشهادهاست. در این نوع، رویدادها بدون هیچ‌گونه بررسی و تحلیل به ترتیب وقوع آمده‌اند. اغلب کتاب‌های تاریخی صدر قاجاریه در زمره این نوع قرار می‌گیرند. شایان ذکر است که

در اروپا، پیش از دوره روشننگری، کتاب‌های تاریخ به همین سبک و سیاق نوشته می‌شدند.

در این دوره، ترجمه کتاب‌های تاریخ سایر کشورها^۹ در تغییر نگرش ایرانیان به تاریخ‌نویسی مؤثر بود. کتاب «حکمت ناصریه یا کتاب دیاکرت که ترجمه رساله معروف دکارت با عنوان گفتار در روش به کار بردن عقل است، ... در تحول نگره تاریخی و شناخت انتقادی اثرگذار بود.» (پرتوی مقدم، ۱۳۸۶: ۸).

در کنار این موارد، انتقادهای آخوندزاده^{۱۰} و رویکرد او به بیان رابطه علت و معلولی وقایع - هرچند خود تاریخ‌نویس نیست - و نیز انتقادهای میرزا آقاخان کرمانی بر مخاطبان کتاب‌های تاریخی و تاریخ‌نویسان تأثیر گذاشت و سبب شد این نوع از حیث محتوا و ساختار تغییر چشمگیری کند؛ به گونه‌ای که به تدریج نوع وقایع‌نگاری متروک ماند و تاریخ‌نویسی به شیوه نوین پا گرفت. در این نوع، نویسنده با زبانی ساده و همه‌فهم به تحلیل تاریخ و ذکر علت و معلول‌ها می‌پردازد. بر اساس این، کتاب *آیینة اسکندری* اثر میرزا آقاخان کرمانی، اولین تاریخی است که به شیوه نو نوشته شده است.

۲-۵. از سیاست‌نامه‌نویسی تا نوشتن رساله‌های انتقادی

۱-۲-۵. سیر رساله‌نویسی

از دیرباز، نوشتن رساله در ایران رواج داشته است. تا پیش از دوره قاجار، موضوع رساله‌ها بیشتر مسائلی چون فقه، پند و اندرز، کلام، عرفان، پزشکی و غیره بود. اما در این دوره رساله‌هایی با موضوع انتقادی پدید آمد. ویژگی بارز این نوشته‌ها، انتقاد آشکار و بی‌پرده و بدون ملاحظه از اوضاع سیاسی و اجتماعی است. اغلب کلام با طنز درآمیخته و نویسنده برای ایهام‌سازی و احتمالاً رهایی از پیامد طعن‌ها، از زبان ادبی سود برده است. پیش از دوره قاجار، انتقادهایی با نثر فاخر و زبان ادبی و رسمی در لابه‌لای حکایت‌ها و سیاست‌نامه‌ها و به ندرت در متون تاریخی و ادبی به‌ویژه اندرزنامه‌ها، به صورت کنایی گنجانده می‌شده است.

رساله‌های انتقادی گاه با انگیزه‌های شخصی پدید آمده‌اند؛ در این صورت نویسندگان برای کین‌خواهی از شخصی، اثر را پدید آورده است. گاهی هم انگیزه بزرگ‌تر و عمیق‌تری مانند حس ملی‌گرایی، محرک نویسنده در ساختن اثر بوده است.

اولین اثری که در نوع رساله‌های انتقادی سراغ داریم، *دستورالاعقاب* از میرزاهمدی نواب طهرانی (متولد ۱۲۱۰ق) است که در سال ۱۲۶۰ق تألیف شده است. این رساله در انتقاد از اوضاع حکومت قاجار و به‌ویژه در نکوهش حاج‌میرزا آقاسی (درگذشته ۱۲۶۵ق)، صدراعظم محمدشاه (درگذشته ۱۲۲۷ق) نوشته شده است. نویسنده نام برخی دیگر از رجال دولتی را نیز آورده «و از سرسپردگی اکثر این افراد به بیگانگان به‌سختی انتقاد کرده و با روشی خاص و لحنی تند اعمال این اشخاص را که ایران‌مداران آن روزگار بودند، برای اعقاب و آیندگان بیان نموده است.» (نواب طهرانی، ۱۳۷۶: ۷). نواب طهرانی این اثر را با انگیزه شخصی و برای انتقام از حاج‌میرزا آقاسی در نزاع بر سر ملکی که به نفع حاج‌میرزا آقاسی پایان یافته بود، پدید آورده است (همان‌جا).

اثر شاخص دیگر، *کشف‌الغرایب* یا *رساله مجدیبه* به قلم مجدالملک سینیکی (درگذشته ۱۲۹۸ق) است.^{۱۱}

مجدالملک پدر امین‌الدوله است. وی نیز در خط و ربط و کتابت از متجددان آن عصر و از فضایی است که قدیم‌ترین انتقاد از فساد دربار ناصری را به رشته تحریر کشید و رساله موسوم به *مجدیه* را که اشارات مرموز و لطیف و بسیار زیبا از مفاسد وزارت مستوفی‌الممالک بزرگ دربردارد به طریق سری در بین محافل سیاسی و اعیان کشور منتشر ساخت (بهار، ۱۳۷۳: ۳/۳۶۵).

به گفته بهار، *رساله مجدیبه* «قدیم‌ترین انتقادی است که از اوضاع سیاسی عصر در ایران به عمل آمد و یا در عرض انتقادات ملکم و طالبوف و دیگران قرار دارد.» (همان، ۳۶۵-۳۶۶). اما *دستورالاعقاب* مقدم بر آن است. احتمالاً مجدالملک گوشه‌چشمی به آن اثر داشته است (نواب طهرانی، ۱۳۷۶: ۶). تفاوت اصلی *دستورالاعقاب* با *رساله مجدیبه* در انگیزه نویسندگان آن‌هاست. حس ملی‌گرایی و وطن‌دوستی و دلسوزی که از لابه‌لای سطرهای *رساله مجدیبه* می‌تراود، در *دستورالاعقاب* جلوه کم‌رنگ‌تری دارد.

پس از رساله مجدییه، میرزامحمد ابراهیم نواب تهرانی (درگذشته ۱۲۹۹ق) رساله *عبره للناظرین و عبره للحاضرین* را «بسیار فاضلانه و منشیانه نوشته و در آن وقایع سال قحطی ۱۲۸۸ق و نتایج آن را که منجر به صدارت میرزا حسین خان مشیرالدوله سپهسالار شده به خوبی ترسیم و از اعمال و افعال این شخص به سختی انتقاد کرده است.» (آرین پور، ۱۳۷۹: ۱/۱۴۵).

رساله انتقادی دیگری به تاریخ ۱۲۸۷ق به قلم میرزامحمد حسین خان فراهانی دبیرالملک نوشته شده است. او «سالها منشی مخصوص میرزا تقی خان امیرکبیر بوده است. وی رساله انتقادی اش را بر نظام حکمرانی و وضع عمومی مملکت خطاب به ناصرالدین شاه نوشته.» (آدمیت، ۱۳۵۶: ۸۸). نویسنده دست پرورده امیرکبیر بوده و در رساله اش با تمجید و تحسین از کارهای امیرکبیر یاد کرده است.

۲-۲-۵. سیاست نامه ها و رساله های انتقادی

رساله های انتقادی صورت تغییر شکل یافته سیاست نامه ها خوانده شده اند (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۹۵). از نمونه های برجسته این نوع در دوره های پیشین، *سیاست نامه* خواجه نظام الملک طوسی (درگذشته ۴۸۵ق) است. نظام الملک این اثر را با هدف اندرز دادن به شاه نوشته و مطالب را در پرده و بیشتر در قالب حکایت و به ویژه حکایت های تاریخی باز نموده است. در گذشته، سیاست نامه نویسی محمل مناسبی برای انتقاد از طبقه حاکم و پند دادن به پادشاه به شمار می رفت. به این دلیل انتقادها در این نوع جای گرفته بودند «که آن را از سقوط در توجیه صرف قدرت مطلقه سلطان بر حذر می دارد.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۱۹۶).

از نظر طباطبایی، «تاج نامه نویسی یکی از گونه های پراهمیت سیاست نامه نویسی در نخستین سده های اسلامی است که با اقتدای به نوشته های دوره ساسانی تدوین شد.» (۱۳۷۵: ۸۹). در بین آثار ادبی برجای مانده از دوره ساسانی، حدود پانزده رساله درباره مسائل اخلاقی و سیاسی نوشته شده است. به نظر می رسد ترجمه عربی همین رساله ها، یکی از خاستگاه های اصلی تدوین بخش نظری کتاب های سیر یا سیاست نامه های دوره اسلامی بوده است. گروه دیگری از نوشته های دوره ساسانی که در فراهم آمدن

سیاست‌نامه‌های دوره اسلامی اهمیت ویژه‌ای داشت، گزارش‌های مربوط به تاریخ شاهان یا خوتای‌نامگ‌هاست. به نظر می‌رسد بخش بزرگی از داستان‌های مربوط به فرمانروایان و وزیران باستانی ایران از این نوشته‌ها گرفته شده باشد (همان، ۸۰). با تغییر جایگاه شاهان، به‌عنوان مخاطبان اصلی سیاست‌نامه‌ها، در این نوع نیز تغییرات بنیادینی به‌وجود آمد.^{۱۲}

طباطبایی نثرهای انتقادی را نوعی می‌داند که بر اثر تحولات این عصر دگرگون شده است:

در عصر ناصری با دگرگونی‌هایی که در همه عرصه‌های حیات اجتماعی، سیاسی و فکری صورت گرفت، شیوه‌های کهن سیاست‌نامه‌نویسی که علت وجودی خود را از دست داده بود، متروک شد و برخی از روشنفکران و نیز رجال اصلاح‌طلب به شیوه جدیدی در تأمل سیاسی روی آوردند. در نیمه دوم سلطنت ناصرالدین‌شاه روشنفکرانی مانند آخوندزاده، ملکم‌خان و زین‌العابدین مراغه‌ای شیوه‌ای نو در سیاست‌نامه‌نویسی به‌وجود آوردند و رجال اصلاح‌طلبی مانند مستشارالدوله و مجدالملک نیز به آنان پیوستند و بدین‌سان، جریان نویی در سیاست‌نامه‌نویسی در ایران به‌وجود آمد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۴۳۳).

از یادآوری این نکته نمی‌توان چشم پوشید که در این دوره، سیاست‌نامه‌نویسی به شیوه سنتی، یعنی نگارش اندرزنامه‌ها برای شاهان همچنان ادامه دارد. در این زمینه به همان سبک، کتاب‌هایی برای ناصرالدین‌شاه نوشته شده است. برای نمونه، «علاوه‌بر کتاب اخلاقیات ملاباشی، اثر تعلیمی دیگری درباب فلسفه عملی که در سال ۱۲۴۶ق هنگام ولی‌عهدی ناصرالدین تقدیم او شد، نوشته... میرزا نصرالله دماوندی بود با عنوان *التحفة الناصریة فی معرفة الالهیة*» (امانت، ۱۳۸۴: ۱۲۲).

بنابراین، اگر رساله‌های انتقادی را صورت دگرگون‌شده سیاست‌نامه‌های پیشین بدانیم، انتقاد از دستگاه حکومت - که کمابیش در سیاست‌نامه‌ها دیده می‌شود - در این نوع غلبه می‌یابد. درحالی که به‌طور هم‌زمان شیوه سیاست‌نامه‌نویسی سنتی ادامه می‌یابد، نوع جدیدی در کنار آن شکل می‌گیرد و می‌بالد و به تکامل می‌رسد.

۳-۵. از رساله‌های انتقادی تا قطعه‌نویسی

سیاست‌نامه‌نویسی از لحاظ سبک نوشتار، بی‌پرده یا درپرده بودن انتقادها و به‌ویژه شیوه بیان مطالب، ارتباط تمامی با مخاطب دارد. از عوامل اصلی تغییر شیوه سیاست‌نامه‌نویسی در این دوره، تغییر تدریجی مخاطب از شاه و درباریان به مردم است. پیدایش طبقه تحصیل کرده و باسواد، مخاطبان جدیدی برای نوشته‌های انتقادی پدید آورد. چاپ روزنامه‌ها نیز مرحله دیگری در سیر تکاملی این نوع به‌وجود آورد. رساله‌های مفصل پیشین به قطعه‌های کوتاه تری تبدیل شد. این قالب بی‌سابقه مانند «قطعه‌های چرندوپرند دهخدا» است که «هم از لحاظ سبک نواند و هم از نظر رسالت و تعهدی که دارند. به این سبب یکی از اقسام نثر نو به معنای واقعی، همین نوشته‌های طنزآمیز معاصرند.» (فرشیدورد، ۱۳۷۸: ۱/ ۲۷۳). این نوع مورد توجه نویسندگان دوره‌های بعد هم قرار گرفت و هنوز هم جایگاه ویژه خود را نگه داشته است.

۶. انواعی که کمتر تغییر می‌پذیرند

بعضی از انواع نثر به‌ویژه انواعی که در شاخه نثرهای رسمی و درباری جای دارند مانند منشآت، نثرهای دیوانی و نثرهای علمی، زبان و قالب‌ها و ساختارهای مشخصی دارند و کمتر پذیرای افکار و رویکردهای نوین هستند. این انواع در برابر تفکر نوین واکنش بسیار اندکی از خود نشان می‌دهند.

۱-۶. نثرهای منشایانه و دیوانی

برخی انواع مانند منشآت و نامه‌های دیوانی نیز تغییراتی کرده‌اند. پاره‌ای از این تغییرات به دلیل گسترش روابط بین ملت‌ها بود که ایجاب می‌کرد نامه‌ها به‌صورت یکسان و در چارچوب مراودات جهانی نوشته شود و اصطلاحات دیوانی بین‌المللی به‌طور دقیق تعریف شود (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۱۴۱). اما تغییرات این نوع در برابر رویکرد انتقادی کمتر از سایر انواع است. با این‌همه، نثرهای دیوانی نیز از حالت رسمی پیشین تاحدی خارج شد و رگه‌هایی از انتقاد به آن‌ها راه یافت. نمونه شاخص آن، نامه‌های حسنعلی‌خان امیر نظام گروسی (درگذشته ۱۳۱۷ق) است.

۲-۶. نثرهای علمی

بیشتر نویسندگان مطالب علمی ناآشنایی ایرانیان را با علوم روز دنیا از عوامل عقب‌ماندگی می‌دانستند و از وضعیت نابسامان علمی انتقاد می‌کردند. برای نمونه، در مجموعه *معارف*^{۱۳} گوشه‌ای از این تلاش‌های اندیشمندان و روشنفکران برای رساندن ایران به پیشرفت و فناوری دیده می‌شود. این نویسندگان برای آشنایی ایرانیان با علوم، به زبان ساده و نزدیک به محاوره می‌نوشتند و با توضیح مسائل علمی، تشریح اوضاع و احوال مملکت و چاپ مقاله‌های متعدد و گوناگون، برای حل مشکلات چاره می‌اندیشیدند.

شیوه تفکر انتقادی به نثرهای علمی این دوره نیز راه یافت و مسیر خود را در گفت‌وگو و پرسش و پاسخ پیدا کرد. *کتاب احمد* از طالبوف از آثار شایان ذکر در این زمینه است. در این اثر، بحث‌های علمی برای کودکان شرح داده شده؛ هرچند گاهی سطح آن از درک کودکان فراتر رفته است. بنیاد این اثر بر پرسش و پاسخ نهاده شده و دراصل، مباحث انتقادی و شیوه تفکر انتقادی را می‌آموزد.

۳-۶. تذکره نویسی

تذکره‌های این دوره چندان رنگ و بوی انتقادی ندارند. با این حال، اثری مانند *مجمع الفصحا* «از فواید ادبی خالی نیست» (زرین‌کوب، ۱۳۸۲: ۴۴۶). رضاقلی خان هدایت و سپهر از اولین کسانی هستند که به نقد ادبی پرداختند؛ هرچند نقدهای آن‌ها در مواردی خالی از حب و بغض نیست (همان، ۴۴۶-۴۵۰).

۷. آمیختگی انواع

از بین عوامل متعدد آمیختگی انواع نثر در این دوره، ناگزیر باید به ملاحظات سیاسی اشاره کرد؛ برای مثال:

بی‌شک، ناصرالدین‌شاه مایل بوده که در نوشتن این نوع سفرنامه‌ها که به آن علاقه داشته است، شخصاً طبع‌آزمایی کند. لیکن در عمل مشاهده می‌کنیم که بخش‌های وسیعی از کتابش را به صورت وقایع‌نگاری تنظیم کرده و بیشتر با زبانی خشک و نگرشی کاملاً سطحی به توصیف راه‌ها، مناظر طبیعی و مراسم و برنامه‌های رسمی پرداخته است (فراگر، ۱۳۷۷: ۵۴-۵۵).

نظر کروگر در این باره چنین است: «مؤلف با فاصله گرفتن عمدی از خواننده، ناخواسته به سبک وقایع‌نگاری نزدیک شده است. در سفرنامه‌های دیگر او و همچنین در سفرنامه‌های جانشین او، مظفرالدین‌شاه، احتمالاً از این هم کمتر به اظهارنظرهای شخصی برمی‌خوریم.» (همان، ۵۵).

۸. انواع میزبان

در تعریف انواع ادبی همواره به این نکته اشاره شده که از لحاظ ساختار و محتوا، هر نوعی با نوع دیگر تفاوت‌هایی دارد. تفاوت‌های ساختاری در شعر محسوس‌ترند. اما در نثر به‌ویژه نثرهای دوره قاجار، با جایگاهی که نثرهای غیررسمی دارند، نمی‌توان انواع نثر را از لحاظ ساختاری چندان متمایز کرد. از لحاظ محتوایی نیز با توجه به رویکردهای فکری و اندیشگی متعدد این دوره، بعضی از انواع صورت‌های آمیخته و تلفیقی پیدا کرده‌اند.

[در] بررسی دقیق نحوه تعامل سنخ‌های ادبی با هم، ... آنچه جذابیت خاص دارد، عادات انوعی است که می‌توان آن‌ها را میزبان نامید. قالب‌هایی که یکی از نقش‌هایشان فراهم آوردن محیطی مساعد برای قالب یا قالب‌های دیگری است که منظم‌اً در درون آن‌ها ادغام می‌شوند (دوبرو، ۱۳۸۹: ۱۵۸).

در این دوره، در بین انواع نثر، خاطره‌نویسی جایگاه ممتازی دارد. بسیاری از سفرنامه‌ها دراصل، خاطرات روزانه هستند و نویسندگان‌شان ضمن ثبت رویدادهای روزانه، وقایع سفر را هم آورده‌اند. سفرنامه‌های ناصرالدین‌شاه که معمولاً زیر عنوان روزنامه آمده‌اند، از این دسته‌اند. در این آثار، خاطره‌نویسی میزبان سفرنامه‌نویسی شده است.

آثاری مانند *تاریخ عضدی*^{۱۴} و *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه*^{۱۵} «را باید حدفاصلی بین خاطره‌نویسی ادبی و تاریخ‌نگاری به‌شمار آورد. احساس شدید خودمحوری مؤلف باعث می‌گردد که برداشت‌های شخصی، مشهودات و مسموعات خود را به‌مثابه عاملی جهت تقویت و تأیید مطالب تاریخی به‌کار برد.» (فراگنر، ۱۳۷۷: ۱۴). این نوشته‌ها بر پایه خاطرات شخصی پدید آمده‌اند. کتاب‌های *تحفة‌العالم* شوشتری

و *سفرنامه ابوطالب خان* را هم «می‌توان همچون پلی بین سفرنامه‌نویسی سنتی و دایرة‌المعارفی قدیم و آثار خاطره‌نویسی جدید از نوع *سفرنامه میرزا صالح* که به صورت شخصی نوشته می‌شدند، به‌شمار آورد.» (همان، ۲۴).

خاطره‌نویسی میزبان نوع دیگری هم شده است:

خاطرات‌نویسی، *شرح حال خودنوشت امین‌الدوله* و به این اعتبار، از انواع نوشته‌های ادبی است. اما از آنجا که میرزا علی‌خان به همه سوانح عمر سیاسی خود نیز اشاره‌هایی آورده است، در عین حال می‌توان آن را تجربه‌ای در مقامه‌نویسی جدید نیز به‌شمار آورد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۳۵۴).

انواعی نیز، در عین استقلال، بر پایه خاطره‌نویسی نوشته شده‌اند. در *کتاب احمد* با توجه به اینکه احمد فرزندخوانده نویسنده است نه شخصی موهوم^{۱۶}، ردپای خاطره‌نویسی آشکارتر می‌شود. یادداشت‌های دوستعلی‌خان معیرالممالک نمونه‌ی جامعی از میزبانی خاطره‌نویسی در این دوره است. او به یاری خاطراتی که به‌مرور یادداشت کرده، سه نوع نثر متمایز در قالب سه کتاب به‌وجود آورده است: ۱. *خاطرات شکاریه*^{۱۷} جنبه‌ی خاطره‌نویسی پررنگی دارد. ۲. *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه* که به توضیح آن پرداختیم. ۳. *رجال عصر ناصری* اثری که در حوزه‌ی تذکره‌های این دوره قرار می‌گیرد.

۹. نتیجه‌گیری

در دوره قاجار نوعی نگاه انتقادی شکل گرفت که هم‌زمان با شکوفایی نثر این دوره، بر انواع نثر تأثیر ژرفی برجای گذاشت. بعضی از انواع تحت‌تأثیر این نگاه شکل گرفتند. شاخصه‌ی دگرگونی بعضی دیگر نیز همین نگاه انتقادی بود. گسترش ترجمه نیز سبب شد بسیاری از انواع تازه وارد ادبیات فارسی شوند. انواع جدید، نمایش‌نامه‌نویسی و نقد نمایش‌نامه‌نویسی، شبه‌ادبیات و انواع آن، رمان‌نویسی و زیرشاخه‌های آن مانند رمان‌های تاریخی، روزنامه‌نگاری، طنزنویسی و مقاله‌نویسی از این نگاه تأثیر پذیرفتند.

برخی گونه‌ها پذیرای این رویکرد شدند. سفرنامه‌ها، سفارت‌نامه‌ها و خاطرات و خواب‌نامه‌ها محمل مناسبی برای بیان انتقادها شدند. انواعی نیز تغییر کلی یافتند و

دگرگون شدند. وقایع‌نگاری به صورت تاریخ‌نویسی درآمد و سیاست‌نامه‌نویسی که از دیرباز ککش بیشتری برای جذب انتقادها داشت، صورت نوین رساله‌های انتقادی را پذیرفت و با تغییر مخاطب از شاه به مردم و با چاپ روزنامه‌ها، به نوع جدیدی - قطعه‌نویسی تبدیل شد. همچنین در این دوره، انواعی مانند نثرهای منشیانه و دیوانی - که از نثرهای رسمی به‌شمار می‌آیند - و نثرهای علمی - که در طول تاریخ کمتر متحول شده‌اند - دگرگونی‌هایی به خود دیدند. در این دوره، خاطره‌نویسی میزبان نوشتارهایی شد که در یک نوع نمی‌گنجد و به‌طور کامل از قواعد انواع پیروی نمی‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. دهقانی نیز در این مورد می‌نویسد: «کلمه "کریکتکا" در آثار آخوندزاده بیش از آنکه مفهوم نقد ادبی داشته باشد، به معنای انتقاد اجتماعی طنزآمیز و حتی معادل "هجو" به‌کار رفته است. کریکتکا به نظر او، نوعی انتقاد اجتماعی هجوآمیز از اعمال و رفتار مردم است که در قالب داستان و نمایش‌نامه بیان می‌شود و بسیار بیش از "موعظه" و "نصیحت" در نهاد آدمی مؤثر است.» (۱۳۸۰: ۳۱).
۲. ملک‌پور رگه‌های اندیشه‌های انتقادی آخوندزاده را در مخالفت با عقاید کهنه، آمیختگی افکار رمانتیک ایدئالیسم هگلی و سوسیالیسم هرزنی را تحت‌تأثیر بلینسکی، نقاد روس، می‌داند (ملک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۷۲-۱۷۳).
۳. درباره‌ی شبه‌ادبیات و انواع آن نگاه کنید به: ساجدی، ۱۳۸۷.
۴. گروهی رمان را نوعی سنتی دانسته‌اند که در این دوره صورت نوینی یافته است (بالایی، ۱۳۷۷: ۹۸-۱۰۰).
۵. برای نمونه می‌توان به افزودن حکایت منسوب به لویی پانزدهم در ترجمه‌ی *خرنامه* اشاره کرد (ر. ک اعتمادالسلطنه، ۱۳۸۲: ۱۶۱) که در اصل کتاب فرانسوی وجود ندارد (آدمیت، ۱۳۸۲: ۳۵). افزودن این حکایت، علاوه‌بر تأکیدی که بر اصالت ترجمه از زبان اصلی دارد، انتقادی سیاسی را بر زبان شخص دیگری جاری کرده و به این شکل تا اندازه‌ای نویسنده را از تلخی فرجام آن رهاییده است.
۶. کامشاد نمونه‌های از این موارد به‌دست داده است (۱۳۸۴: ۵۰).
۷. سفرنامه‌ی میرزا محمدحسین فراهانی از سفرنامه‌های مکه است. او «علاوه‌بر شهرهای زیارتی از قفقاز و کشور عثمانی و مصر هم دیدن می‌کند.» (فراگنر، ۱۳۷۷: ۳۰). «تماس و گفت‌وگو با اتباع ممالک

- دیگر که امکانش در پایتخت کشور عثمانی برای مؤلف فراهم می‌شود باعث می‌گردد که درباره جریان‌های سیاسی روز به بحث پردازد و عقاید و نظریات خود را بیان دارد.» (همان، ۳۲).
- «فراهانی بارها به برتری علم و صنعت ممالک همسایه نسبت به وطنش ایران اشاره می‌کند و بدین وسیله موجبات برخوردی انتقادی را فراهم می‌سازد.» (همان‌جا).
۸. برای نمونه می‌توان به نامه مستشارالدوله به مظفرالدین‌شاه و پیامد آن اشاره کرد (آرین‌پور، ۱۳۷۹: ۲۸۳/۱).
۹. پرتوی مقدم فهرستی از کتاب‌های تاریخی ترجمه‌شده در این عهد را معرفی کرده است (۱۳۸۶: ۸).
۱۰. او هم از سبک نوشتار و آمیختگی شعر و نثر در کتاب‌های تاریخ انتقاد کرده است و هم از محتوای آثار که بی‌هیچ تحلیلی، وقایع را نوشته‌اند؛ به‌ویژه *روضه‌الصفای ناصری* اثر رضاعلی‌خان هدایت را به‌شدت مورد انتقاد قرار داده است (آخوندزاده، بی‌تا: ۵۶-۵۷).
۱۱. زرین‌کوب رساله «مجدیه» را از مقوله یادداشت‌های شخصی می‌داند که «به‌سبب احتوا بر کنایات و تعریضات» چندان فایده و اطلاعات تاریخی به خواننده نمی‌رساند.» (۱۳۴۶: ۵۲).
۱۲. برای نمونه، سیاست‌نامه‌های پس از دوره مغول دربرگیرنده انتقادهای قوی‌تر و پررنگ‌تری است. طباطبایی سیر سیاست‌نامه‌نویسی را با توجه به تحول جایگاه شاهان بررسی کرده است. از باباافضل کاشانی «رساله» ساز و پیرایه شاهان پرمایه "یکی از منابع پراهمیت اندیشه سیاسی ایران‌شهری و به همین سبب نیز نقادی او از شاهی موجود بسیار اساسی است.» (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۵۳). نمونه دیگر: «خواجه سراج‌الدین ارموی نویسنده *لطائف‌الحکمه* عبارتی را در کتاب خود می‌آورد که مبین دگرگونی بنیادینی در شیوه نگرش به پادشاه به‌شمار می‌آید.» (همان، ۱۹۶).
- «نویسنده کتاب *فرانده السلوک* را می‌توان همچون واسطه‌العقدی میان *سیاست‌نامه* خواجه و نوشته‌های سیاسی دوره مغولان به‌شمار آورد.» (همان، ۱۹۷).
۱۳. مجله *معارف* از مجلات علمی اواخر عهد قاجار است که زیر نظر وزارت معارف منتشر می‌شد. این مجموعه در آغاز هر شماره، خود را چنین معرفی می‌کرد: «خادم حوزه بشری، محرک جامعه ایران، حامی افراد و مجامع منوره و متنوره، هادی افکار طبقات عامه، طرفدار حکومت فاضله، مسبب ایجاد معارفی درخور احتیاجات مملکت و ناشر افکار عموم معارف‌پروران است.» موضوع اغلب مقالات این مجله، علمی و فلسفی بود.
۱۴. *تاریخ عضدی* نوشته احمد میرزا عضدالدوله قاجار (۱۲۳۴-۱۳۱۹ق) پسر چهل‌وهشتم فتحعلی‌شاه است. او این کتاب را در شرح حال همسران، پسران و دختران پدرش نوشته است.
۱۵. *یادداشت‌هایی از زندگی خصوصی ناصرالدین‌شاه* را دوستعلی‌خان معیرالممالک (۱۲۵۵-۱۳۴۵ق) نوشته است. نویسنده درباره محتوای این اثر آورده است: «البته وقایع سلطنت او در تواریخ ضبط

است و در اینجا لازم به شرح آن نیست الا اینکه می‌خواهم قسمت مختصری را که بر همه معلوم نیست، برای آگاهی خوانندگان محترم بنگارم.» (معیرالممالک، بی تا: ۵).

۱۶. «احمد» را بسیاری از نویسندگان و پژوهشگران شخصی موهوم و زاده تخیل نویسنده معرفی کرده‌اند. اما استناد به عکسی که احمد را در کنار طالبوف نشان می‌دهد، ثابت می‌کند احمد فرزندخوانده اوست نه کودکی موهوم (ر. ک سلماسی، ۱۳۸۴).

۱۷. *خاطرات شکاریه* دراصل از نوع بازنامه‌نویسی است که از دیرباز در ایران رواج داشته؛ هرچند معیرالممالک این اثر را تحت تأثیر بازنامه‌نویسی شخصی به نام مستر چرچیل نوشته است. اما از آنجا که در کنار خاطرات شکار، نویسنده از اوضاع سیاسی و اجتماعی عصر نیز انتقاد کرده است، اثر بیشتر جنبه خاطره‌نویسی یافته تا بازنامه‌نویسی.

منابع

- آخوندزاده، میرزا فتح‌علی (بی تا). *مکتوبات کمال‌الدوله*. [بی جا]: [بی نا].
- آدمیت، فریدون و هما ناطق (۱۳۵۶). *افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشرنشده دوران قاجار*. تهران: آگاه.
- _____ (۱۳۸۲). «درباره خرنامه». *خرنامه*. تهران: پنجره. صص ۲۳-۳۸.
- آراین‌پور، یحیی (۱۳۷۹). *از صبا تا نیما*. ج ۱ و ۲. چ ۷. تهران: زوار.
- احمدی، بابک (۱۳۸۹). *مدرنیته و اندیشه‌ی انتقادی*. چ ۸. تهران: نشر مرکز.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۷۷). *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*. مقدمه و فهرس از ایرج افشار. چ ۴. تهران: امیرکبیر.
- _____ (۱۳۸۲). *خرنامه*. به کوشش علی دهباشی. چ ۴. تهران: پنجره.
- امانت، عباس (۱۳۸۴). *قبله عالم: ناصرالدین شاه قاجار و پادشاهی ایران (۱۳۱۳-۱۲۴۷)*. ترجمه حسن کامشاد. چ ۲. تهران: کارنامه.
- بالایی، کریستف (۱۳۷۷). *پیدایش رمان فارسی*. ترجمه مهوش قویمی و نسرین خطاط. تهران: معین.
- بهار، محمدتقی (۱۳۷۳). *سبک‌شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی*. ج ۳. چ ۷. تهران: امیرکبیر.
- بهجت، محمدعلی (۱۳۰۳). *مجله معارف*. شهریور.
- پارسی‌نژاد، ایرج (۱۳۸۰). *روشنگران ایرانی و نقد ادبی*. تهران: سخن.

- پرتوی مقدم، عباس (۱۳۸۶). «تأملی در تحولات تاریخ‌نگاری عصر قاجار و عوامل آن تا پیش از انقلاب مشروطه». *پیک نور*. س ۷. ش ۲. صص ۳-۱۵.
- تودروف، تزوتان (۱۳۸۸). *بوطیقای نثر پژوهش‌هایی نو درباره حکایت*. ترجمه انوشیروان گنجی‌پور. تهران: نشر نی.
- خانلری، پرویز نائل (۱۳۲۶). «نثر فارسی در دوره اخیر» در *نخستین کنگره نویسندگان ایران*. تهران: نگین. صص ۱۲۸-۱۷۵.
- دارم، محمود (۱۳۸۱). «انواع ادبی». *پژوهشنامه علوم انسانی*. ش ۳۳. صص ۷۵-۹۶.
- دوبرو، هدر (۱۳۸۹). *ژانر: نوع ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نشر مرکز.
- دهقانی، محمد (۱۳۸۰). *پیشگامان نقد ادبی در ایران*. تهران: سخن.
- رحیمیان، هرمز (۱۳۸۴). *ادبیات معاصر نثر فارسی: از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. ج ۳. تهران: سمت.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۱). *از گذشته ادبی ایران*. تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- _____ (۱۳۴۶). «نقد و بررسی درباب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام» در *ایران‌شناسی*. تهران: دبیرخانه مرکزی اتحادیه جهانی ایران‌شناسان. ضمیمه بهمن‌ماه. صص ۵۲-۷۶.
- ساجدی، تهمورث (۱۳۸۷). «بررسی شبه‌ادبیات و انواع ادبی آن» در *از ادبیات تطبیقی تا نقد ادبی* (مجموعه مقالات). تهران: امیرکبیر. صص ۳۰۳-۳۱۸.
- سلماسی، کاتیا (۱۳۸۴). «عکس احمد موهوم». *بخارا*. ش ۴۳. مرداد و شهریور. صص ۲۱۴-۲۲۳.
- سیاح، فاطمه (۱۳۸۳). *نقد و سیاحت*. به کوشش محمد گلبن. تهران: قطره.
- _____ (۱۳۸۶). «انواع ادبی و شعر فارسی» در *زمینه اجتماعی شعر فارسی*. تهران: اختران و زمانه. صص ۱۱-۳۴.
- طباطبایی، سیدجواد (۱۳۷۵). *خواجه نظام‌الملک*. تهران: طرح نو.
- _____ (۱۳۸۵). *تأملی درباره ایران مکتب تبریز و مقدمات تجددخواهی*. تبریز: ستوده.
- غلام، محمد (۱۳۸۱). *رمان تاریخی: سیر و نقد و تحلیل رمان‌های تاریخی فارسی ۱۲۸۴ تا ۱۳۳۲*. تهران: نشر چشمه.

- قائم مقامی، جهانگیر (۱۳۵۰). *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- کامشاد، حسن (۱۳۸۴). *پایه‌گذاران نشر جدید فارسی*. تهران: نشر نی.
- گرجی، مصطفی (۱۳۸۸). «انواع ادبی و اضطراب‌های بشری با توجه به آرای پل تیلیش». *فصلنامه نقد ادبی*. س ۲. ش ۶. صص ۱۸۵-۱۹۸.

Archive of SID